مجلّهٔ طب سنّتی اسلام و ایران، سال سیزدهم، شمارهٔ اول، بهار ۱۴۰۱

مقاله اصیل پژوهشی

(تاریخ پزشکی)

معرفی مشاهیر طب سنّتی اسلام و ایران:
ابوحنیفه دینوری، اولین گیاه‌شناس مسلمان ایرانی

پروین جهانبانی[الف]، محمدرضا شمس اردکانی[ب]، مهدیه افتخاری[ج*]

[الف] کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

[ب] گروه فارماکوگنوزی، دانشکدهٔ داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

[ج] مرکز تحقیقات علوم دارویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

چکیده

در دورهٔ عباسیان، پیشرفت مسلمانان در زمینهٔ پزشکی و داروسازی بیش از سایر علوم بود. پزشکان و دانشمندان ایرانی، نقش برجسته‌ای در این پیشرفت داشته‌اند. شهر دینور یکی از مراکز علمی و فرهنگی کهن ایران اسلامی است و از دیرباز مهد عارفان و بزرگانی در عرصهٔ علم و عرفان بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. یکی از مشاهیر در طب سنتی اسلام و ایران که از شهر دینور قد برافراشت ابوحنیفه دینوری است که با وجود نقش بارزی که در گیاه‌شناسی داشته و آثار ارزشمندی که در این زمینه دارد، متأسفانه منابع تاریخی ناچیزی دربارهٔ زندگی و معرفی آثار گیاه‌شناسی این دانشمند بزرگ موجود است. هدف از نگارش این مقاله، شناساندن ابوحنیفه دینوری به‌عنوان یکی از بزرگان گیاه‌شناس ایرانی در قرن سوم هجری قمری است. این پژوهش به‌شیوهٔ اسنادی و کتابخانه‌ای و براساس مطالعه و بررسی کتاب‌ها و منابع طب سنتی و تاریخی ایران و اسلام و همچنین منابع الکترونیک انجام شده است. ابوحنیفه اولین گیاه‌شناس مسلمان در دوران اسلامی است که توانست راهگشای بسیاری از پرسش‌ها و ندانسته‌ها به‌ویژه در زمینهٔ گیاه‌شناسی باشد؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از دانشمندان بزرگ همچون ابن‌بیطار و ابوریحان بیرونی در تبیین و توصیف برخی گیاهان از آثار ارزشمند ایشان نقل‌قول کرده‌اند. معرفی دانشمندان مسلمان ایرانی که علی‌رغم خلاقیت و آثار ارزشمندشان چنانچه باید شناخته نشده‌اند، می‌تواند نقش مهمی را که مشاهیر ایرانی در پیشرفت علوم مختلف داشته‌اند به‌درستی تبیین کند.

تاریخ دریافت: فروردین ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: اردیبهشت ۱۴۰۱

کلیدواژه‌ها: مفردات پزشکی، گیاه‌شناسی، طب ایرانی

مقدمه:

هزاران سال است که گیاهان دارویی در فرهنگ‌های مختلف جهان به‌عنوان یک روش درمانی ایمن استفاده می‌شوند. درحقیقت، اکثر جهان هنوز به طب سنتی متکی هستند و حتی در کشورهای صنعتی هنوز از داروهای سنتی برای درمان بیماری‌ها استفاده می‌شود. تحقیقات گسترده نشان داده است که گیاهان دارویی در اشکال مختلف، چه به شکل خام و چه به‌صورت مولکول‌های خالص جداشده از آنها، قدیمی‌ترین روش درمانی هستند. مطالعات باستان‌شناسی شواهدی ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهد خواص درمانی گیاهان در دوران ماقبل تاریخ برای انسان‌ها شناخته شده بوده است (۱). استفادهٔ دارویی از گیاهان به‌اندازهٔ تمدن بشر قدمت دارد. مستندات استفاده از گیاهان به‌عنوان دارو به دوران قبل از تمدن و سپس در تمدن‌های مختلف همچون هند، چین، مصر، ایران و یونان باستان برمی‌گردد. اطلاعات مربوط به گیاهان دارویی به‌تدریج منتقل می‌شود و دانش بشری با شکل‌گیری تمدن‌ها و فراهم‌آوردن امکانات بیشتر از نسلی به نسل دیگر به‌تدریج کامل می‌شود. گیاهان دارویی تقریباً در همهٔ فرهنگ‌ها به‌عنوان منبع درمانی مورد استفاده قرار می‌گیرند و آگاهی از این دانش سنتی می‌تواند نقش کلیدی در بهره‌برداری و کشف منابع گیاهی داشته باشد (۲). پزشکان و دانشمندان ایرانی در حفظ سوابق تاریخی گیاهان دارویی و استفاده از این منابع جهت درمان انسان‌ها نقش برجسته‌ای داشته‌اند.

* فرد مسئول مکاتبات: mahdieh.eftekhari@kums.ac.ir

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.22034/13.1.51]

اعراب پس از سقوط امپراتوری روم در زمینهٔ علم و پزشکی پیشرفت‌های عظیمی کردند. دانشمندان جهان اسلام کتاب‌هایی را از یونان و روم ترجمه کردند. پزشکان عرب مفهوم کنترل رژیم غذایی و ورزش را همراه با داروها معرفی نمودند. اعراب درواقع پیشگامان شروع اقدامات اولیهٔ داروسازی هستند؛ از جمله ایجاد داروخانه‌ها، شرح شغل پزشکان به‌عنوان تشخیص‌دهندهٔ بیماری‌ها و داروسازانی که تهیه و دستور داروها را به عهده داشته‌اند. با توجه به این مرزبندی، توسعه در هر زمینه آغاز شد. دین اسلام وسعت جدیدی در علم پزشکی در عربستان ایجاد کرده و وسایلی را برای سبک زندگی بهداشتی تعیین کرده است. ابن‌ربن طبری، ابوعلی سینا و ابوموسی جابربن‌حیان از جمله دانشمندان دورهٔ اسلامی هستند که آثار آنها برای همگان شناخته شده است (۱). در میان نام‌آوران مسلمان، نام اولین گیاه‌شناس مسلمان، یعنی ابوحنیفه دینوری را شاید کمتر کسی شنیده و با آثار ارزشمند او آشنایی دارد؛ لذا در این تحقیق به شرح زندگی و آثار او با تکیه بر آثار گیاه‌شناسی ایشان می‌پردازیم.

این پژوهش براساس مطالعات کتابخانه‌ای و از طریق جست‌وجو در کتب و منابع طب سنتی و تاریخی ایران و اسلام و منابع الکترونیک، دانشنامهٔ جهان اسلام و همچنین نرم‌افزار کتابخانهٔ جامع طب سنتی اسلامی (تهیه‌شده در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی «نور») با کلیدواژه‌های ابوحنیفه دینوری، ابوحنیفه، دینوری یا Abu Hanifa Dinawari انجام و اطلاعات مرتبط با ایشان با تکیه بر آثار گیاه‌شناسی در نتایج تحقیق ارائه شد.

کتب مفردات پزشکی

مفردات اجزای طبیعی (معدنی، حیوانی و گیاهی) هستند که برای درمان به‌صورت مستقل یا در ساخت داروهای ترکیبی به‌کار می‌روند. با توجه به نقش و اهمیت مفردات، در این زمینه تألیفات بسیاری وجود دارد و اکثر ملت‌های متمدن Materia Medica (مفردات پزشکی) خود را توسعه داده و جزئیات مربوط به گیاهان مختلف مورداستفاده برای اهداف درمانی را گردآوری کرده‌اند. یکی از نخستین کتاب‌هایی که به موضوع مفردات اختصاص داشته، *ماتریا مدیکا* است که پدانیوس دیاسقوریدوس در نیمهٔ اول قرن اول میلادی در یونان آن را تألیف کرد. حنین‌بن‌اسحاق، قبل از سال ۲۵۰ هجری قمری این کتاب را از یونانی به سریانی ترجمه کرد. سپس اصطفن‌بن‌بسیل، کتاب را از یونانی به عربی ترجمه کرد و حنین‌بن‌اسحاق آن را تصحیح نمود و با عنوان *هیولی الطب فی الحشایش و السموم* در دسترس دانشمندان مسلمان قرار گرفت (۳، ۴).

اما در همان قرن سوم هجری قمری که کتاب *ماتریا مدیکا* از یونانی به عربی ترجمه شد، ابوحنیفه دینوری به‌عنوان پدر گیاه‌شناسی اسلام و ایران «*کتاب النبات*» را براساس تحقیق و تتبع خود نوشته است. هدف ابوحنیفه از تألیف کتاب *النبات* در وهلهٔ نخست پرداختن به مسائل لغوی بوده، اما به واژه‌نامه‌ای بی‌مانند در خصوص گیاه‌شناسی دورهٔ اسلامی تبدیل شده است (۵).

شرح زندگی ابوحنیفه دینوری

«احمدبن‌داودبن‌ونند» معروف به ابوحنیفه دینوری، در قرن سوم هجری در دینور به دنیا آمد (۶، ۷). دینور یکی از شهرهای مهم در سده‌های ۸ تا ۱۱ میلادی بود که در شمال شرقی کرمانشاه در غرب ایران قرار دارد. خرابه‌های شهر در حال حاضر در منطقهٔ دینور، شهرستان صحنه، استان کرمانشاه واقع شده است (۸). در دورهٔ اسلامی دینور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و در این دوران زمینه‌های رشد و شکوفایی دینور به‌وجود آمد. ورود اسلام به این منطقه برای دینور حادثه‌ای دوران‌ساز است که سرآغاز رشد علمی آن شد، به‌نحوی‌که در قرن‌های سوم و چهارم هجری به اوج شکوفایی علمی و فرهنگی رسید و به‌عنوان یکی از مراکز فرهنگی و شهرهای مشهور جهان اسلام مطرح و از جایگاه ممتازی برخوردار شد (۹).

تاریخ دقیق ولادت ابوحنیفه مشخص نیست، کارل بروکلمان و بیشتر محققان معاصر، دههٔ اول قرن سوم هجری را ذکر کرده‌اند، اما احمدامین مصری ایام ولادت وی را دو دههٔ اول قرن سوم هجری می‌داند؛ دوران زندگی ابوحنیفه دینوری مقارن با خلافت مأمون، معتصم و واثق عباسی بود؛ این دوران

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.22034/13.1.51]

عصر رشد و شکوفایی علمی جهان اسلام بود که بستر مناسبی را جهت رشد دانشمندان بسیاری فراهم آورد؛ ابوحنیفه دینوری یکی از دانشمندان این دوران (قرن سوم هجری قمری) است (۶).

در ایرانی‌بودن ابوحنیفه دینوری و اجدادش اختلاف‌نظری نیست؛ زیرا نام جدش «ونند»، یک واژهٔ ایرانی و دلیل ایرانی‌بودن نیاکان اوست. او بخشی از زندگی خود را (دوران کودکی و نوجوانی) در شهر دینور گذراند و در دوران جوانی برای کسب علم و دانش به حجاز، شام، عراق و نواحی خلیج فارس مسافرت کرد. ابوحنیفه از محضر استادانی چون اسحاق سکیت و پسرش یعقوب سکیت که هر دو از لغت‌شناسان مشهور بوده‌اند، بهره‌مند شد. او در سال ۲۳۵ ه‍ق به اصفهان رفت و مدتی در آنجا اقامت کرد و به تحقیق دربارهٔ علم نجوم و رصد ستارگان پرداخت و نتایج رصدش را در کتابی با عنوان *الانواء* ثبت کرد. خانه و ابزار او برای رصد ستارگان، سالیان زیادی باقی ماند و عبدالرحمن صوفی (م ۳۷۶ ه‍ق) آن‌ها را مشاهده کرد. دینوری سپس به زادگاهش دینور بازگشت و به تحقیق و تألیف مشغول شد و ظاهراً تا پایان عمر در آنجا باقی ماند. تاریخ درگذشت او نیز مورد توافق نیست، اما می‌توان گفت قول مشهور در تاریخ وفات او ماه جمادی‌الاول سال ۲۸۲ است (۶، ۷). جلال‌الدین سیوطی سه تاریخ را برای وفات ابوحنیفه بیان کرده است: «ابوحنیفه در جمادی‌الاول سنهٔ ۲۸۱ یا ۲۸۲ درگذشته و برخی سال وفات او را سنهٔ ۲۸۹ ضبط کرده‌اند» (۱۰).

آثار و فعالیت‌های ابوحنیفه دینوری

ابوحنیفه در عراق، بصره و کوفه تعلیم گرفته است. او در بسیاری از علوم مختلف از جمله دستورزبان (نحو و لغت)، فلسفه، تاریخ، جغرافیا، هندسه، ستاره‌شناسی و گیاه‌شناسی آثار ارزشمندی نوشته که از بیشتر آنها نسخه‌ای نمانده است. از جمله آثار ابوحنیفه در زمینهٔ نجوم و ریاضی شامل کتاب‌های *الانواء*، *القبله و الزوال*، *الکسوف*، *الجمع و التفریق*، *الجبر و المقابله*، *الوصایا*، *الزیج*، *النوادر الجبر*، *حساب الدور* و کتاب *التخت* (*البحث*) *فی حساب الهند* می‌باشد. کتاب‌های *البلدان*، *الفصاحت*، *الشعر و الشعرا*، *جواهر العلوم* و همچنین *تفسیر قرآن* که گفته شده در سیزده جلد بوده از تألیفات دینوری در سایر زمینه‌ها است. از هیچ‌یک از آثار مذکور نسخه‌ای باقی نمانده است (۱۱).

کتاب *الاخبار الطوال* یکی از مهم‌ترین آثار دینوری و تنها کتاب اوست که به‌طور کامل حفظ شده است. *الاخبار الطوال* از قدیمی‌ترین تاریخ‌نامه‌های عمومی مختصر تا پایان حکومت معتصم عباسی است. این اثر در تاریخ عمومی عالم و با تأکید بر رویدادهای ایران و عرب نوشته شده است (۱۲).

با آنکه دینوری دارای آثار ارزشمندی در بسیاری از علوم بود، بیشترین شهرت دینوری تا قرن‌ها پس از خود به‌دلیل کتاب *النبات* بود. چنانچه دانشمندان و علما از او با عنوان «صاحب کتاب النبات» یاد می‌کردند (۹). احمدامین در مورد ابوحنیفه بیان داشته است: «با نوشتن کتابی دربارهٔ نباتات مشهور شد» (۱۳). آنچه در این مقاله مورد بحث می‌باشد «کتاب *النبات*» است که به شناخت گیاهان اختصاص داشته و به تأیید کارشناسان این رشته، دینوری اطلاعات مندرج در این کتاب را براساس تحقیق و تتبع خود استخراج کرده است و دیگران از او نقل‌قول کرده‌اند.

کتاب *النبات*

ابوحنیفه در زمان علاقهٔ شدید علمی به تمام جنبه‌های زبان عربی زندگی می‌کرد. در آن زمان اسلام دین جوانی بود و نیاز به آموختن هر چه بیشتر در مورد زبان قرآن عمیقاً احساس می‌شد. دستورزبان و لغت‌شناسی از جمله رشته‌های زبان‌شناسی بود. در طول قرن نهم، کار زیادی بر روی لغت‌نامه‌هایی که ما آنها را می‌شناسیم، انجام نمی‌شد. در عوض، تک‌نگاری‌های کوتاهی که به اصطلاحات موضوعات تخصصی می‌پردازند، در دستور کار قرار گرفتند. کتاب *النبات* ابوحنیفه در این دسته قرار می‌گیرد (۱۴). کتاب *النبات* یک اثر گیاه‌شناسی- زبان‌شناسی است (۹) و به‌عنوان جامع‌ترین و از نظر روش‌شناسی، برترین اثر گیاه‌شناسی با گرایش لغت‌شناسی توصیف می‌شود (۱۵). کتاب *النبات* ابوحنیفه درواقع بیش از یک دایره‌المعارف بزرگ است و می‌توان گفت اثری است که به قول سیره‌نویسان قدیمی، مانند آن نیست (۱۶). این اثر علمی بزرگ در طول قرن‌ها توسط علمای عرب‌زبان مورد قدردانی قرار گرفته و اخیراً توجه دانشمندان غربی را نیز به

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.22034/13.1.51]

خود جلب کرده است (۱۴). حتی محققان حال حاضر نیز از این کتاب به‌عنوان یک کتاب مرجع استفاده می‌کنند (۱۷). کشف مجدد قطعاتی از نسخه‌های خطی باعث جلب‌توجه مجدد به کتاب *النبات* هم در میان دانشمندان شرقی و هم در غرب شده است (۱۴).

کتاب *النبات* دینوری شامل چندین جزء بوده که متأسفانه بخش بزرگی از آن مفقود شده است. عبدالقادر بغدادی، در کتاب *خزانه الادب*، اشاره کرده که نسخه‌ای از *النبات* را در شش جلد بزرگ و حجیم دیده است (۱۸). در آغاز جزء پنجم *النبات* آمده است: «جزء هشتم از اجزاء قاضی‌بن‌سعید سیرافی»؛ بنابراین جزء هشتم از اثر اصلی و احتمالاً کل کتاب ده جزء بوده است (۵).

النبات ابوحنیفه از طریق منابع ثانویه شناخته شده بود، اما سال ۱۹۴۷ دکتر حمیدالله یک قطعه نسخه خطی را در مدینه کشف کرد. یک سال بعد قطعهٔ دیگری در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول کشف شد. در مجموع، حدود یک‌سوم از بخش تک‌نگاری و یک‌سوم از بخش الفبایی، شامل یازده حرف اول الفبا از الف تا زا، دوباره کشف شده است. بخش الفبایی موجود توسط برنهارد لوین ویرایش و در سال ۱۹۵۳ منتشر شد (۱۴). محمد حمیدالله توصیفات ۶۳۷ گیاه از حرف سین تا حرف یا را از استناداتی که در لغت‌نامه‌های بزرگ و تک‌نگاری‌های متعدد به کتاب *النبات* ابوحنیفه شده بود، جمع‌آوری کرد و جزء ششم *النبات* را تحت عنوان «القسم الثانی من القاموس نباتی» به چاپ رسانده است (۵، ۱۹).

ابوحنیفه در کتاب *النبات* خصوصیات گیاهان مختلف را همراه با شواهدی از اشعار شاعران عرب آورده است. دینوری فقط به گیاهان سرزمین‌های عربی اکتفا نکرد، بلکه گیاهان سرزمین‌های دیگر را نیز بررسی کرده و نتایج مشاهدات خویش را به اطلاعات قبلی افزوده و از توان ادبی و بلاغتش برای توصیف بهتر گیاهان بهره جسته و نیز جو سرزمین‌های گوناگون را بررسی نموده است (۹).

دینوری پس از اولین بخش که خصوصیات نجومی و هواشناسی را از جمله آسمان، صورت‌های فلکی، سیارات، به‌ویژه خورشید و ماه، خانه‌های قمری که فصول و باران را نشان می‌دهند به انواء (اجرام آسمانی) باران و پدیده‌های دیگر (باد، رعد، رعدوبرق، برف، سیل، دره، رودخانه، دریاچه‌ها، چاه‌ها و سایر منابع آب) می‌پردازد. سپس زمین، سنگ و ماسه را مورد توجه قرار می‌دهد و انواع زمین و خاک را توصیف و خصوصیات زمین مرغوب برای گیاهان را مشخص می‌کند. دینوری پس از این مقدمهٔ طولانی که نمونهٔ آن را در رساله‌های کشاورزی می‌توان یافت، به شرح تکامل گیاه از تولد تا مرگ آن می‌پردازد و مراحل رشد و تولید گل و میوه را بیان می‌کند (۱۹).

ابوحنیفه گیاهان را به‌گونه‌ای کاربردی دسته‌بندی کرد (۵). او گیاهان را این‌گونه طبقه‌بندی کرده است: گیاهان بیابانی و وحشی، گیاهان دارای قابلیت خوراکی و ارزش غذایی، گیاهان دارای ارزش اقتصادی (معطر و رنگ‌کننده) (۹).

دینوری در جزء سوم کتاب *النبات* به مسائلی پرداخته است که بعضی از آنها به‌طور مستقیم با گیاه‌شناسی و به‌خصوص طبقه‌بندی گیاهان مرتبط است و همچنین به جانداران و آفات مؤثر بر حیات گیاهان و نیز کاربرد گیاهان در زندگی روزانه می‌پردازد. سارتون این بخش را مقدمه‌ای مهم در علوم کشاورزی و گیاه‌شناسی دانسته است (۵). عناوین فصول جزء سوم این کتاب در ذیل آمده است:

«فصل آفات کشاورزی و زنبور عسل»، «فصل مراتع و چهارپایان»، «فصل ملخ‌ها»، «فصل قارچ»، «فصل انواع صمغ و شیرابه»، «فصل دباغی» (گیاهان مورداستفاده در دباغی)، «فصل آتشزنه‌ها» (چوب‌هایی که به‌عنوان آتش‌زنه به‌کار می‌روند)، «فصل رنگ آتش، خاکستر و دودها»، «فصل رنگرزی» (گیاهان مورداستفاده در رنگرزی)، «فصل بوهای مطبوع و نامطبوع» (گیاهان خوشبو و بدبو)، «فصل مسواک» (گیاهان مورداستفاده به‌عنوان مسواک)، «فصل ریسمان‌ها» (ریسمان‌های گیاهی)، «فصل عسل و زنبور عسل» (۱۸).

دینوری در بخش اول جزء پنجم *النبات* به توصیف انواع چوب‌های تیروکمان می‌پردازد، که این جزء به‌دنبال جزء سوم آمده و هر دو در یک جلد چاپ شده‌اند (۵، ۱۸).

در قسمتی دیگر از جزء پنجم *النبات* شرح گیاهانی آمده است که اسامی آنها با حروف الف تا زا شروع می‌شود. در این بخش برای دینوری، به‌جای طبقه‌بندی گیاهان، تنها ترتیب

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.22034/13.1.51]

الفبایی مهم بوده است. در آخرین صفحهٔ این جزء که پایان پنجمین جزء اعلام شده، اَعلام و نیز گیاهانی که اسامی آنها با حروف «س» به بعد شروع می‌شود به ششمین جزء موکول شده است (۵).

کتاب *النبات* درواقع از دو بخش اصلی تشکیل شده است. بخش اول شامل مجموعه‌ای از تک‌نگاری‌های تخصصی با عناوینی مانند «فصل درختان خرما»، «فصل کمان»، «فصل قارچ‌های خوراکی» و غیره است. او در این تک‌نگارها به نام گیاهان مربوطه، خصوصیات و موارد استفادهٔ این گیاهان، اصطلاحات مربوطه و کاربرد آنها و روابط نام‌ها و لغات با یکدیگر و مشتقات آنها می‌پردازد. بخش دوم، لیست الفبایی است که درواقع لیست الفبایی شامل اسامی گیاهان و اصطلاحات گیاه‌شناسی است که در بخش تک‌نگاری قبلی ذکر شده‌اند. لیست الفبایی به این معنا است که همهٔ کلماتی که با یک حرف شروع می‌شوند در یک فصل آورده می‌شوند. بسیاری از اطلاعات بخش مونوگراف در اینجا تکرار می‌شود. ظاهراً ابوحنیفه خواسته است برای راحتی خوانندگان خود ترتیب دیگری ارائه دهد. با این حال، بخش تک‌نگاری بسیار مفصل‌تر است. در بخش الفبایی، ابوحنیفه اغلب بحث را خلاصه می‌کند و خوانندگان خود را به تک‌نگاری مناسب ارجاع می‌دهد. تا مدت‌زمانی تقریباً طولانی این اثر کپی نشد، شاید به این دلیل که کار طولانی بود و همهٔ اطلاعات مهم از آن زمان نقل شده و در سایر فرهنگ لغت‌ها و آثار گیاه‌شناسی گنجانده شده بود (۱۴).

لازم به ذکر است که ابوحنیفه بیش از آن‌که صرفاً به توصیف گیاهان بپردازد، به بحث در مورد معنا، نحو، املای صحیح و لغت‌شناسی گیاهان و اصطلاحات مربوط به آنها تمایل داشته است. توصیفات گیاهی از نظر میزان جزئیات ارائه‌شده بسیار متفاوت است و در غالب اوقات، ابوحنیفه توصیف گیاهان کاملاً شناخته‌شده را به‌کلی کنار می‌گذاشت. در هر صورت توصیف دقیق قسمت‌های گل‌دار که جزء اساسی آثار گیاه‌شناسی مدرن محسوب می‌شود، ارائه نشده است و ابوحنیفه واژگانی از اصطلاحات مورفولوژیکی را دقیق بسط نداده است. توصیفات او به‌صورت کلی و غالباً مقایسه‌ای است. آنها در جملاتی مانند «درخت بلندی است مانند گردو» یا «برگ‌هایی مانند برگ‌های تره» فراوان‌اند (۱۴). یا مثلاً می‌گوید: «الخُزامی عُشبهٌ طویله العیدان، صغیر الورق، حمراء الزهره، طیبه الریح، لها نور کنور بنفسج؛ خزامی گیاهی است با ساقه‌ای بلند، برگی کوچک، گلی سرخ، بویی خوش و درخششی مانند درخشش بنفشه» (۷). با وجود این، با توجه به محدودیت‌های آنها، توصیفات به‌طرز قابل‌ملاحظه‌ای دقیق هستند. ابوحنیفه علاوه بر توضیحات، اطلاعات قابل‌توجهی در مورد زیستگاه گیاهان ارائه می‌دهد؛ اینکه آیا آنها کشت می‌شوند یا به‌طور خودرو در کوه‌ها، دشت‌ها، ماسه‌ها، زمین‌های سخت و در علفزارها یا در زمین مرتفع اطراف آنها رشد می‌کنند. علفزارها به‌طور دقیق، فرورفتگی‌های کم‌عمقی در بیابان هستند که آب باران در آن جمع می‌شود. بنابراین آنها نسبت به مناطق اطراف سرسبزتر هستند و گیاهان متفاوتی از گیاهان روی تپه‌ها در آنها رشد می‌کنند. چنین اطلاعاتی در مورد رویشگاه گیاهان، به‌ویژه هنگامی که از افراد بادیه‌نشینی که اطلاعات دست‌اولی از گیاهان داشتند، به‌دست می‌آمدند و گاهی اوقات در شناسایی یک گیاه خاص کمک می‌کردند (۱۴). او همچنین جو سرزمین‌های گوناگون را توصیف می‌کند؛ مثلاً جو عربی، جو عراقی، جو حبشی و... . او دربارهٔ گیاهان سرزمین‌های عربی و غیرعربی دیدگاهی وسیع و تخصصی دقیق دارد (۱۳). علاوه بر اطلاعات زبان‌شناسی و گیاه‌شناسی، کتاب *النبات* دارای اشعار فراوان است که فقط در بخش الفبایی موجود حدود ۵۰۰ بیت وجود دارد (۱۴).

منابع مورداستفاده دینوری در تألیف *النبات*

دینوری تا آنجا که می‌توانست اطلاعاتی در مورد نام گیاهان و اصطلاحات گیاه‌شناسی را از منابع مکتوب و شفاهی جمع‌آوری کرد (۱۴) و احتمالاً خود نیز سفرهای زیادی انجام داده تا بتواند اسم گیاهان و محل رویش آنها را ثبت کند (۵). منبع اصلی اطلاعات مکتوب او اثری از ابوزیاد کلابی دربارهٔ گیاهان بود. او دانشمندی عرب‌الاصل بود که در بغداد ساکن شد و در حدود سال ۸۲۰ پس از میلاد درگذشت. به‌نظر می‌رسد این اثر دیگر موجود نیست، اما به‌طور گسترده توسط ابوحنیفه نقل شده است. ابوحنیفه همچنین به آثاری از اصمعی

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.22034/13.1.51]

(۷۳۹ تا ۸۳۱ م)، لغت‌نویس و زبان‌شناس عرب و «بیان‌کنندهٔ برجسته ۱۲ تک‌نگاری کوتاه» و شاگرد اصمعی، ابونصر احمدبن‌حاتم باهلی متوفی (۶/۸۴۵)، و نیز ابوعمرو شیبانی (متوفی ۸۲۱) تکیه کرده است. اگرچه بخش‌هایی از کتاب *نبات* اصمعی تا به امروز باقی مانده است، اما این منابع اولیه عمدتاً از بین رفته‌اند، تا حدی به این دلیل که کتاب ابوحنیفه جایگزین آنها شد؛ زیرا ابوحنیفه فقط از کسانی که پیش از او آمده بودند نقل نکرده است. او بسیاری از اطلاعات خود را مستقیماً از بادیه‌نشینان و راویان قبیله‌ای، «انتقال‌دهندگان» یا به‌عبارت دیگر از استادان علم که به‌طور شفاهی اشعار و داستان‌های یک قبیله را از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌کردند، جمع‌آوری کرد. آنها اطلاعات جدیدی به‌خصوص در مورد گیاهان وحشی عربستان به او دادند (۱۴).

استناد به کتاب *النبات*

کتاب *النبات* موردتوجه دانشمندان دورهٔ اسلامی قرار گرفت به‌طوری‌که در کتب سده‌های بعدی به نقل از دینوری در تبیین و توضیح ادویه پرداخته‌اند. از نظر لغت‌شناسی نیز، کتاب مورد استفاده و استناد فرهنگ‌نویسان بسیاری قرار گرفته است (۵). در مشهورترین کتب لغت مانند *جَمْهَرَه اللُّغه* ابن‌درید، *تهذیب اللغه* *محمدبن‌الأزهری* الهروی، *الصحاح* جوهری، *المحکم و المخصص* ابن‌سیده، *العباب الزاخر واللباب الفاخر* صغانی، *لسان العرب* ابن‌منظور، *قاموس المحیط* اثر محمدبن‌یعقوب فیروزآبادی و *تاج‌العروس* تألیف مرتضی زبیدی و در بسیاری دیگر از کتب زبان‌های مختلف، نقل‌قول‌های زیادی از کتاب *النبات* دیده می‌شود (۲۰).

اولین لغت‌نویسی که از کتاب *النبات* به‌طور گسترده نقل‌قول کرد، ابن‌سیده (۱۰۰۷ تا ۱۰۶۶ ه‍ق) بود که کتاب *المحکم و المخصص* را گردآوری کرد. او در مقدمهٔ اثر لغت‌شناسی عمومی، منابع خود را برشمرده و به‌طور خاص از دو کتاب ابوحنیفه یعنی کتاب *النبات* و کتاب *حرکات ستارگان* یاد کرده است (۱۴).

العباب صغانی (متوفی ۱۲۵۲ ه‍ق) مشتمل بر نقل‌قول‌های فراوانی از بخش الفبایی کتاب *النبات* است که با این بیان: «دینوری گفت:» به‌وضوح به ابوحنیفه منسوب است. لغت‌شناسان بعدی نیز به‌طور غیرمستقیم از منابع دیگری مانند آثار فوق‌الذکر از ابوحنیفه نقل کرده‌اند (۱۴).

این کتاب مورد توجه گیاه‌شناسان و پزشکان نیز بوده است، چنانچه غافقی به‌عنوان گیاه‌شناس اندلسی مسلمان در اوایل سدهٔ ۶ قمری در مهم‌ترین اثر خود (*الجامع فی الأدویه المفرده*) از آثار گیاه‌شناسی پیش از خود به‌ویژه *النبات* دینوری تأثیر بسیاری گرفته است (۲۱).

مشهورترین گیاه‌شناس و داروشناس اسلامی، ضیاءالدین ابومحمد عبدالله‌بن‌احمد مالقی معروف به ابن‌بیطار (۵۹۳ تا ۶۴۶ ه‍ق) در کتاب *الجامع لمفردات الادویه و التغذیه*، در بسیاری از موارد به نقل‌قول‌های ابوحنیفه اشاره می‌کند (۲۲).

بسیاری از متون گیاه‌شناسی کلاسیک عربی ماهیت دارویی داشته‌اند و بسیاری از نویسندگان برای توصیف گیاهان دارویی مورد بحث به کتاب *النبات* تکیه کرده‌اند. علاوه بر این کتاب *النبات* ابوحنیفه منبع اطلاعاتی مفیدی برای دانشمندان مدرن است و توسط نویسندگان فلور عراق (به‌طور غیرمستقیم از طریق آثار ابن‌بیطار) (۱۱۹۷ تا ۱۲۴۸ ه‍ق) و همچنین توسط واتسون در کتاب *نوآوری کشاورزی در جهان اولیهٔ اسلام* (۱۹۸۳) ذکر شده است (۱۴).

همچنین در دیگر کتب پزشکی و داروسازی دوران اسلامی نیز از دینوری نام برده و نقل‌قول‌هایی شده که در جدول شمارهٔ ۱ آورده شده است.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.22034/13.1.51]

جدول۱. کتاب‌هایی که نام دینوری را آورده یا از او نقل‌قول کرده‌اند، براساس جست‌وجو در کتابخانهٔ جامع طب سنتی و اسلامی نرم‌افزار نور

کتاب	وصف	مؤلف	قرن
فی حفظ الأسنان و اللثه و استصلاح‌ها (۲۳)	در توضیح عنصل به نقل‌قولی از ابوحنیفه اشاره می‌کند.	حنین‌بن‌اسحاق عبادی	۳ ه‌ق
الصیدنه فی الطب (۲۴)	بیرونی از کتاب *النبات* در صیدنه بسیار نقل کرده است؛ اما فقط در سه عنوان نام کتاب *النبات* را آورده و در سایر موارد فقط نام ابوحنیفه را ذکر کرده است. او بیش از دویست‌وسی بار به نقل‌قول‌های ابوحنیفه اشاره می‌کند.	ابوریحان محمدبن‌احمد بیرونی	۵ ه‌ق
منهاج البیان فی ما یستعمله الإنسان (۲۵)	بزر الکتم	یحیی‌بن‌عیسی‌بن‌جزلهٔ	۵ ه‌ق
یادگار در دانش پزشکی و داروسازی (۲۶)	بادروج، زعرور، سنا و شونیز و بسیاری دیگر که از نقل‌قول‌های ابوحنیفه در کتاب *صیدنه* رازی بهره برده است.	سید اسماعیل جرجانی	۵ و ۶ ه‌ق
لقط المنافع فی علم الطب (۲۷)	*الرشاد*	عبدالرحمن‌بن‌علی‌بن‌جوزی	۶ ه‌ق
بستان الأطباء و روضه الألباء (۲۸)	لبلاب و فرنجمشک، خبازی، سیسنبر، حوک	ابونصر اسعدبن‌الیاس‌بن‌مطران	۶ ه‌ق
عمده الطبیب فی معرفه النبات (۲۹)	کتاب *النبات* در رأس منابعی است که مؤلف بر هر آنچه مربوط به اسامی عربی و شرایط و خصوصیات گیاهان (به‌ویژه گیاهان کشورهای شبه‌جزیره عربستان) است، استفاده کرده است.	اَبوالخیر اشبیلی	۶ ه‌ق
الوصله إلی الحبیب فی وصف الطیبات و الطیب (۳۰)	در توضیح الدستفشار نقل‌قولی از ابوحنیفه در کتاب *المخصص* ابن‌سیده آورده است.	عمربن‌احمدبن‌ابی‌جراده معروف به ابن‌عدیم عقیلی حلبی	۶ و ۷ ه‌ق
تفسیر کتاب دیاسقوریدوس (۳۱)	دینوری در علوم مختلف به‌ویژه در زبان، فلسفه، مهندسی، حساب و گیاه‌شناسی سرآمد بود و کتاب *النبات* اولین کتاب عربی در گیاه‌شناسی است که نویسنده‌اش در آن از روش علمی مبتنی بر آزمایش پیروی کرده است.	ابن‌بیطار	۶ و ۷ ه‌ق
عرائس الجواهر و نفائس الاطائب (۳۲)	در وصف کتب ادویه مفرده نام دینوری را برده است.	عبدالله‌بن‌علی‌بن‌محمد کاشانی	۸ ه‌ق
کامل الصناعتین (۳۳)	بیش از ۱۰ بار از دینوری نقل‌قول کرده که آنها را از کتاب‌های *الجامع* و *اللسان* آورده است.	ابوبکربن‌بدرالدین بیطار	۸ ه‌ق
السما و العالم بحارالانوار ترجمه آسمان و جهان (۳۴)	سنا مکی مکلف‌بودن پری و شیطان وصف گیاه خلاف وصف دخن	علامه مجلسی	۱۰۳۷ تا ۱۱۱۰ ه‌ق

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.22034/13.1.51]

ادامهٔ جدول۱. کتاب‌هایی که نام دینوری را آورده یا از او نقل‌قول کرده‌اند، براساس جست‌وجو در کتابخانهٔ جامع طب سنتی و اسلامی نرم‌افزار نور

کتاب	وصف	مؤلف	قرن
تحفه المؤمنین/ تحفه سلیمانی/ تحفه حکیم مؤمن (۳۵)	عشرق، قرطمان	سید محمدمؤمن‌بن‌محمدزمان حسینی دیلمی تنکابنی مازندرانی	۱۰۸۰ ه‌ق
مخزن الادویه (۳۶)	عشرق، قرطمان، صبر	سید محمدحسین عقیلی علوی خراسانی شیرازی	۱۱۸۵ ه‌ق
فرهنگ داروها و واژه‌نامه‌های دشوار (۳۷)	انبرباریس و بادروج و ماش	منوچهر امیری	۱۲۹۹ ش چاپ: ۱۳۵۳
مطرح الانظار فی تراجم اطبا الاعصار و فلاسفه الامسار (۳۸)	از ریاضیین مشهور در سنه ۲۳۵ دینوری حکیم را معادل خواجه نصیرالدین طوسی دانسته است.	میرزا عبدالحسین خان فیلسوف‌الدوله زنوزی	۱۲۴۵ تا ۱۳۲۲ ش
تاریخ نگارش‌های عربی (۳۹)	ابوحنیفه چیزی دربارهٔ دیاسقوریدوس نمی‌دانست. خوارزمی برای داروشناسی از کتاب دینوری بهره برده است. کتاب‌های جاحظ (کتاب جانورشناسی) و ابوحنیفه عاری از نفوذ بیگانه‌اند. این دو نویسنده از یونانیان بهره نبردند عاری و آزاد از تأثیر یونانیان بوده‌اند.	فوائد سزگین	معاصر تولد ۱۹۲۴ م
جستارهایی در تاریخ علوم دوره اسلامی (۴۰)	وصف بادرنگ، برگ بو، بلسان، بید و به‌عنوان رفرنس چاپ کراچکوفسکی ۱۹۱۲ *الاخبار الاطوال*	هوشنگ اعلم	۱۳۰۷ تا ۱۳۸۶ چاپ: ۱۳۸۱
مجموعه متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران (۴۱)	در وصف تعدادی از گیاهان نام او را نقل می‌کند و نام کتاب *النبات* را در کتب داروشناسی آورده است.	مهدی محقق	چاپ: ۱۳۸۷

دیدگاه دانشمندان دربارهٔ ابوحنیفه دینوری و کتاب *النبات*

ابوحیان توحیدی دربارهٔ دینوری می‌گوید: «ابوحنیفه احمدبن‌داوود دینوری از نوادر بشر است. او حکمت فلاسفه و بیان اعراب را در خود جمع کرده است» (۲۰). همچنین توضیح می‌دهد که سه تن از نویسندگان را برتر از سایرین می‌داند: جاحظ، ابوحنیفه دینوری و ابوزید بلخی (۴۲).

لکلـــرک در مورد ابوحنیفه می‌گوید: «ابوحنیفه بزرگ‌ترین گیاه‌شناس مشرق زمین اســـت و از اینکـــه ابن‌ابی‌اصیبعـــه از بیان حال او غفلت کرده تعجب می‌کنم» (۷).

زیلبربرگ در رســـالهٔ ممتاز خـــود که برندهٔ جایزهٔ ۱۹۰۸ میلادی نیز بود دســـتاوردهای گیاه‌شناسی ابوحنیفه را به شکلی عالی بیان کرده اســـت. او بیان می‌کند هر شخصی که به‌طور منطقی با ادبیات عرب آن زمان آشنایی داشته باشد، در اولین نگاه به توصیفات دینوری از گیاهان با شرح زنده، طبیعی و واضح آنها شگفت‌زده می‌شود. زیلبربرگ سپس برای دست‌یافتن به درک درستی از این اثر، کتاب *النبات* دینوری را با تاریخ طبیعی گیاهان اثر تئوفراستوس مقایسه می‌کند و این پرسش را مطرح می‌نماید که تا چه حدی آثار یونانیان بر این کتاب تأثیر داشته‌اند؟ زیلبربرگ در این مقایسه درمی‌یابد که بین

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.22034/13.1.51]

توصیفات این دو کتاب اختلاف فاحشی وجود دارد. هدف نهایی تئوفراستوس توصیف اشکال گیاهان نیست، بلکه بیشتر مطالعهٔ ماهیت آنهاست. با بررسی کتاب *النبات* می‌توان دریافت که این اثر از نظر تعداد و نیز بیان جزئیات، از کتاب تئوفراستوس برتر است. علاوه بر این، بسیار شگفت‌آور است که در میان منابع رومی و یونانی تنها کتاب دیاسقوریدوس است که از نظر توصیف گیاهان با کتاب *النبات* برابری می‌کند. زیلبربرگ در پایان بررسی خود این پرسش را مطرح می‌کند: «چگونه مسلمانان توانسته‌اند در ابتدای دورهٔ تألیف آثارشان از این نظر با نوابغ یونانی برابر باشند یا حتی از آنان پیشی بگیرند؟» (۴۳).

ذهبی در خصوص *النبات* دینوری گفته است: «*النبات* کتاب بزرگ و جامعی است» (۷).

ابن‌انباری، ابوالبرکات عبدالرحمن‌بن‌محمد (م ۵۷۷ ق)، در مورد *النبات* می‌گوید: «در این موضوع کتابی مانند آن تألیف نشده است» (۷).

ابن‌ندیم نیز دربارهٔ کتاب النبات بیان داشته است: «در تألیف این کتاب علما به وی برتری داده‌اند» (۷).

نسخه‌ها و چاپ‌های *النبات*

نسخه‌های *النبات*

تنها نسخهٔ خطی جزء سوم کتاب *النبات*، در کتابخانهٔ دانشگاه ییل در ایالات متحده آمریکا به شمارهٔ ۷۷ نسخهٔ خطی عربی که خاورشناس سالزبری در سال ۱۸۷۰ به دانشگاه داده است، نگهداری می‌شود.

تنها نسخهٔ خطی جزء پنجم کتاب، در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول به شمارهٔ ۴۷۱۶ نگهداری می‌شود. در ۲۳۳ صفحه است و قدمت آن به سال ۶۴۵ هجری می‌رسد. کاتب آن همان کاتب نسخهٔ جزء سوم (در دانشگاه ییل) است.

یک بخش از نسخهٔ *النبات*، اوراقی است که توسط دکتر محمد حمیدالله در یکی از کتابخانه‌های مدینه یافت شده و رونوشتی از بخش‌هایی از *النبات* نـــزد حمیدالله است (۱۸).

چاپ‌های *النبات*

قسمتی از جزء پنجم کتاب *النبات* را با عنوان «قطعه من الجزء الخامس من کتاب *النبات* تألیف أبی‌حنیفه أحمدبن‌داود الدینوری» (به تصحیح اوپسالا).

جزء سوم و قسمت اول جزء پنجم کتاب *النبات* (با مقدمهٔ برنهارد لوین) (۱۸).

جزء ششم *النبات* تحت عنوان «القسم الثانی من القاموس نباتی» با تلاش و جمع‌آوری دکتر حمیدالله (۱۹).

بحث و نتیجه‌گیری:

دانشمندان مسلمان ایرانی نقش مهمی در پیشرفت علوم مختلف داشته‌اند، اما بسیاری از آنان علی‌رغم جایگاه و آثار ارزشمندشان چنانچه باید شناخته نشده‌اند. معرفی این بزرگان و شناخت بیشتر ایشان می‌تواند بیانگر نقش مهم مشاهیر ایرانی در پیشرفت و توسعه علوم مختلف باشد.

تضاد منافع:

این مقاله هیچ تضاد منافعی ندارد.

حمایت مالی:

این مقاله هیچ حامی مالی ندارد.

تشکر و قدردانی:

بدین‌وسیله از جناب آقای دکتر فرید قاسملو که با راهنمایی‌های ارزندهٔ خود ما را در نگارش این مقاله یاری نمودند کمال تشکر را داریم.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.22034/13.1.51]

References:

1. Khan H. Medicinal plants in light of history: Recognized therapeutic modality. Journal of Evidence-Based Complementary & Alternative Medicine. 2014 Jul;19(3):216-9.
2. Petrovska BB. Historical review of medicinal plants' usage. Pharmacognosy Review. 2012;6(11):1–5.
3. Moslehi shad E. An introduction to the history of pharmacology in Iran. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2010;1(1):1-8.
4. Dioscorides P. *Al-Hashayesh.* Translated by Sharif Hosseini A. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 2004. [In Persian].
5. Mohammadifar Sh. Classification of plants in the era of botany and medicine of the Islamic period. The Scientific Heritage of Islam and Iran. 2015;4(2):16-34.
6. Ahmadi MGh. A comparative study of the personality and works of Ibn Qutayba and Abu Hanifah Dinawari and their role in Islamic history, culture and civilization. History of Islam in the Mirror of Research. 2007;14:5-42.
7. Velayati AA, Mohammadi S. *Abu Hanifah Dinawari*. Tehran: Amirkabir; 2014. [In Persian].
8. Amiri I. History of Dinawar. Kermanshah: Taq-Bostan; 2012. [In Persian].
9. Azamipour B. The forgotten capital of the nation of Kurd. Tehran: Sepand Minoo; 2014. [In Persian].
10. Suyuti J. *Bughyat al-Wu'ah fi Tabaqat al-Lughawiyan wa-al-Nuhah*. Egypt: Matbaat al-Saadat; 1947. [In Arabic].
11. Mohammadifar Sh. *Dinawari abu Hanifah Ahmad ibn Dawud*. Encyclopedia of the World of Islam. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation. 2020;18:621-624.
12. Dinawari A. *Akhbar al-Tiwal*. Translated by Mahdavi Damghani M. Tehran: Nashr-e Ney; 2016, Chap 10. [In Persian].
13. Amin A. *Zahi al-Islam*. Beirut: Maktab al-Asrie; 2008. [In Arabic].
14. Breslin CA. Abu Hanifah al-Dinawari's book of plants: An annotated english traslation of the extant alphabetical portion (Lexicography, Philology, Arabia, Middle East) [dissertation]. The University of Arizona; 1986.
15. Ulimann M. Die Natur-und Geheimwissenschaften im Islam (Handbuch der Orientalistik, Erste Abteilung; Erganzungsband VI, 2. Abschnitt). Leiden/Koln: Brill Archive; 1972.
16. Bauer T. Das pflanzenbuch des Abū Hanīfa ad-Dīnawarī: Inhalt, Aufbau, Quellen. Otto Harrassowitz Verlag; 1988.
17. Yusof E, Sidik R, Sidek M. Perusahaan berasaskan flora oleh masyarakat Islam Andalus/Floral-based enterprises by Andalus muslim community. Islamiyyat. 2012;34:93.
18. Dinawari A. *Kitāb al-Nabāt.* Tehran: Institute of Medical History Studies, Islamic and Complementary Medicine, Iran University of Medical Sciences; 2008. [In Arabic].
19. Fahd T. Botany and agriculture. In Encyclopedia of the History of Arabic Science V 3; 2004 Nov 11 (pp.813-852). Routledge.
20. Issa bak A. *Tarikhe al-Nabat ind al-Arab*. Tehran: Institute of Medical History Studies, Islamic and Complementary Medicine, Iran University of Medical Sciences; 2008. [In Arabic].
21. Shariatpanahi SM. Ghāfiqī's Jāmi and the science of botany. Journal for the History of Science. 2012 Sep 22;10(2):17-34.
22. Ibn al-Baytar ZA. *Al-Jāmi li-Mufradāt al-Adwiya wa-l-Aghdhiya.* Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah; 1992. [In Arabic].
23. Ibn Ishaq H. *Fi Hifz al-Isnan wa al-Litha wa Stislahiha*. Aleppo; 1997. [In Arabic].
24. Abū Rayhān Al-Bīrūnī M. *Al-Saydanah fi al-Tibb.* Translated by Mozafarzadeh B. Tehran: Academy of Persian Language and Literature; 2004. [In Persian].
25. Ibn Jazla Y. *Minhaj al-Bayan fi-Ma Yasta'miluhu al-Insan*. Cairo: Arab League; 2010. [In Arabic].
26. Jurjani SI. *Yadegar.* Tehran: Unevercity of Tehran; 2002. [In Persian].
27. Ibn al-Jawzī A. *Laqt al-Manafi fi Ilm al-Tibb.* Cairo: Dar al-Kutub; 2010. [In Arabic].
28. Ibn Matran A. *Bustan al-'Atibba' wa-Rawdat al-'Alibba'.* Tehran: Association of Cultural Works and Honors; 2007. [In Arabic].
29. Al-Ishbili AM. *Umdat al-Tabib fi Ma`rifat al-Nabat*. Beirut: Dār al-Gharb al-Islāmī; 1995. [In Arabic].
30. Ibn al-Adim U. *Al-Wasla ila al-Habib fi Wasf al-Tayyibat wal Tibb.* Syria: University of Aleppo Publications; 1985. [In Arabic].
31. Ibn al-Baytar ZA. *Tafsir kitab Dioscorides.* Beirut: Dār al-Gharb al-Islāmī; 1989. [In Arabic].
32. Kashani AA. *Arais al-Jawahir wa Nafais al-Atayyib*. Edited by Afshar I. Tehran: Al-Ma'i Publications; 2007. [In Persian].
33. Al-Baytar A. *Kamil al-Sanaatin*. Aleppo: Al-Matboat; 1993. [In Arabic].
34. Majlesi MB. Aseman va Jahan, Translated by Kamarei M (Translation of *al-Samā wa-al-Ālam Bihar al-Anwar*).Tehran: Eslamiyeh, 1972. [In Persian].
35. Tonekaboni MM. *Tuhfat ul-Momineen.* Qom: Noor Wahi Publications; 2011. [In Persian].
36. Aqili Alavi Shirazi SMH. *Makhzan al-Adwiya.* India: Kolkata Publication; 1844. [In Persian].

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.22034/13.1.51]

37. Amiri M. *Farhang-e Darooha va Vajeh-haye Doshvar*. Tehran: Iran Culture Foundation Publications; 1974. [In Persian].
38. Filsoof al-Dawlah A. *Matrah al-Anzar fi Tarajem Atibba al-Aasar va Falasefat al-Amsar.* Tehran: Institute of Medical History Studies, Islamic and Complementary Medicine, Iran University of Medical Sciences; 2004. [In Persian].
39. Sezgin F. History of Arabic manuscripts. 2nd ed. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2001. [In Persian].
40. A'lam H. Researches in the history of Islamic sciences. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation; 2002. [In Persian].
41. Mohaghegh M. A collection of texts and articles on the history and ethics of medicine in Islam and Iran. Tehran: Association of Cultural Works and Honors; 2008. [In Persian].
42. Noemi A. Shia philosophers. Translated by Ghazban J. Tehran: Islamic Revolution Publishing and Education Organization; 1988. [In Persian].
43. Silberberg B. Das Pflanzenbuch des Abû Hanîfa Ahmed ibn Dâ'ûd ad-Dînawarî. Zeitschrift Fur Assyriologie. 1911;25(1-2):39-88. https://doi.org/10.1515/zava.1911.25.1-2.39.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.22034/13.1.51]

Introducing the scholars of traditional medicine of Islam and Iran: Abu Hanifa Dinawari, the first Iranian Muslim botanist

Parvin Jahanbani[a], Mohammad Reza Shams Ardekani[b], Mahdieh Eftekhari[c]*

[a]Student Research Committee, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran
[b]Department of Pharmacognosy, Faculty of Pharmacy, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
[c]Pharmaceutical Science Research Center, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

Abstract:

During the Abbasian period, the progress of Muslims in fields of medicine and pharmacy was far more than other sciences. Iranian physicians and scientists have played a prominent role in these advances. Dinavar city is one of the ancient scientific and cultural centers of Islamic Iran and has long been the cradle of mystics and great men in the field of science and mysticism and has been of special importance. One of the celebrated scholars in traditional Islamic and Persian medicine, who rose from city of Dinavar, is Abu Hanifa Dinawari. Despite his prominent role and valuable works in the field of botany, there are unfortunately few historical sources about the life and introduction of the botanical works of this great scientist. The purpose of writing this article is to introduce Abu Hanifa Dinawari as one of the great Iranian botanists in the third century AH. This research was conducted by a documentary and library method and is based on study and review of books and sources of traditional and historical medicine of Iran and Islam as well as electronic resources. Abu Hanifa was the first Muslim botanist in the Islamic era who was able to tackle many questions and unknowns, particularly in the field of botany, so that many great scientists such as Ibn Baytar and Abu Rayhan Biruni have quoted his valuable works in explaining and describing some plants. Introducing Iranian Muslim scientists, who, despite their creativity and valuable works, have not been properly recognized, can thoroughly explain the crucial role Iranian scholars have played in development of various sciences.

Keywords: Materia Medica, Botanical, Persian Medicine

Corresponding Author: mahdieh.eftekhari@kums.ac.ir

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.22034/13.1.51]